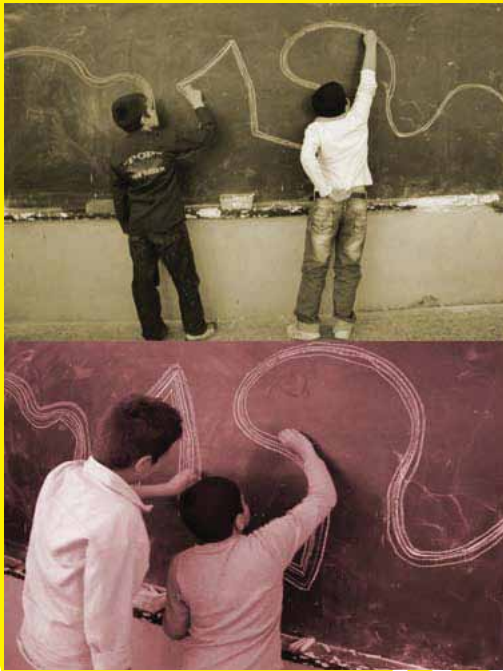




دلایل تحول

سید نصرت‌الله فاضلی
مدرس سند برنامه درسی ملی

ضرورت تحول بنیادین در آموزش و پرورش امری است که تجربه، تعقل و ایمان آن را تأیید می‌کند. ناکارآمدی آموزش و پرورش در قبل و بعد از انقلاب اسلامی ایران به حدی است که نارضایتی آن در قول و فعل دانش‌آموزان بروز می‌کند و ذی‌نفعان آموزش و پرورش، به‌خصوص خانواده‌ها، بارها آن را بیان می‌کنند و مسئولان جامعه به‌ویژه مقام معظم رهبری بارها آن را یادآوری کرده‌اند و در بیان ایشان علل آن هم به‌خوبی تبیین شده است. از جمله اینکه آموزش و پرورش ما برگرفته از دنیای غرب است و مبانی آن در تعارض با مبانی تربیت اسلامی است و آموزش و پرورش که باید نیروی انسانی جامعه اسلامی را تربیت کند، نمی‌تواند با آموزه‌های علوم انسانی غرب بنیان شده باشد. تربیتی که دنیای غرب به دنبال آن است، رسیدن به دولت رفاه است. آنان ساخت‌های غیب و شهود و ملک و ملکوت، فیزیک و متافیزیک را به عالم فیزیک و مادی کاهش داده‌اند و ملاک اعتبار علم را کنترل و پیش‌بینی عالم مادی اعلام کرده‌اند و باید‌های ارزشی را که عامل شکوفایی استعدادها و بشری است به علوم تجربی تنزل داده‌اند. حال اینکه در دیدگاه اسلامی انسان و جهان چند ساحتی هستند. ساحت حس و خیال و عقل و شهود انسانی و ساحت‌های خلقت ماورای طبیعت است و اعتبار دانش نیز شامل اموری نظیر «مطابقت با شواهد عینی»، «سودمندی نتایج»، «سازگاری با منظومه معرفتی معتبر و معقول» و «اعتبار مرجع» می‌شود. با این مقدمه، در این نوشتار قصد داریم به مهم‌ترین بخش‌های اسناد تحولی آموزش و پرورش از جمله برنامه درسی ملی بپردازیم که هر معلم، مدیر، معاون و عوامل اجرایی باید از آن آگاه باشند. از خداوند مسئلت داریم ما را در این امر موفق بدارد.



رویکرد شکوفایی فطرت‌گرایی توحیدی

در تدوین برنامه‌دستی یکی از مواردی که مورد بحث قرار می‌گیرد، رویکرد یا جهت‌گیری کلی برنامه‌دستی است که روح حاکم در کلیه امور برنامه است؛ یعنی هدف‌گذاری، تدوین محتوا، ارزشیابی، انتخاب مواد و رسانه‌های آموزشی، با این رویکرد کلی ساماندهی می‌شوند. رویکرد کلی برنامه‌دستی ملی شکوفایی فطرت‌گرایی توحیدی است.

در انسان‌شناسی اسلامی، انسان در بدو تولد یکپارچه گوشت نیست، بلکه امیال و جهاز زیستی دارد و علاوه بر آن، دارای گرایش‌ها و شناخت‌هایی است که او را از موجودات دیگر متمایز می‌کند؛ همان که در زبان قرآنی به الهام، فجور و تقوا از آن نام برده شده است.

نظام تعلیم و تربیت اسلامی، کلیه دستورالعمل‌ها و نظام ارزشی آن، برای شکوفا کردن این استعداد است که از آن به فطرت نام برده می‌شود. در واقع پیش‌آموخته‌های دانش‌آموز در سه بخش وراثت و محیط و فطرت او را متأثر می‌سازد و نظام تعلیم و تربیت باید در خدمت بذری فطرت انسانی باشد تا با شکوفا شدن آن، انسان از گرایش جست‌وجوگری فطرت به فضیلت علم، به واسطه گرایش به عدل و دوری از ظلم به فضیلت اخلاقی، به واسطه گرایش به زیبایی به فضیلت هنر و به واسطه گرایش به پرستش به فضیلت توحید برسد.

اینکه دانش‌آموز عدالت معلمی را که میان هم‌کلاسی‌های او به یکسان رفتار می‌کند به عنوان مزیت این معلم عنوان می‌کند، قضاوت او براساس پیش‌آموخته الهی به نام فطرت صورت گرفته است. اینکه دانش‌آموز از بدخطی خودش رنج می‌برد و به خوش‌خطی بغل‌دستی‌اش غبطه می‌خورد واکنش فطری اوست. اینکه معلمان در جمع خودشان معلمی را که مهارت بیشتری دارد و الگوی اخلاق است بر دیگران ترجیح می‌دهند، رفتاری فطری‌گرایانه است. اینکه مؤمن واقعی آرامش دارد و دنیاطلبی انسان را مضطرب می‌کند، نشان از نیاز فطری انسان به ذکر الهی است. اگر تکوین و تعالی هویت موضوع تربیت است، نقطه عزیمت، حرکت متعالی بخش فطرت است و نقطه پایانی آن نفس مطمئنه. انسانی که به این مرتبه از حیات طیبیه برسد، اولین نشانه او این است که از زندگی خود رضایت دارد و دیگران هم از او راضی هستند. در موقعیت‌های متعدد که قرار می‌گیرد موقعیت نامناسب را برای خود و دیگران تغییر می‌دهد و از موقعیت مناسب برای رشد و تعالی خود و دیگران استفاده می‌کند. موقعیت او فطرت‌مدار است و شایستگی‌هایی که پی‌درپی کسب می‌کند، ریشه در فطرت دارد. پس دانش‌آموز علاوه بر زبان مادری پیش‌آموخته، دارای زبان فطری خداآموخته است که معیار قضاوت اوست.

تفاوت میان تربیت و تعلیم و رویکرد اسناد تحولی به این دو امر

رویکرد اسناد تحولی در نظام تعلیم و تربیت رسمی و عمومی نظام جمهوری اسلامی ایران تربیت است و تعلیم را در خدمت تربیت می‌داند.

تفاوت تربیت و تعلیم در موضوعات آن دو است. موضوع تربیت هویت انسان است و منظور از هویت در زبان روان‌شناسی همان شخصیت انسان است و در زبان قرآن کریم همان نفس و شاکله انسان. صفات، روحیات و خلیات انسان‌ها متفاوت است. بعضی از افراد شجاع و بعضی دیگر ترسو هستند. بعضی از افراد عقیف‌اند و بعضی از آنان حیای لازم را ندارند. بعضی افراد اهل احسان و عدالت هستند و بعضی دیگر خلاف آن.

در آموزش و پرورش اسلامی به دنبال آن هستیم که هویت افراد را براساس نظام معیار که اسلام است تکوین و تعالی دهیم. از این رو تربیت را جریان زمینه‌ساز تعاملی برای تکوین و تعالی فرد می‌دانیم، اما موضوع تعلیم آن اشیای خارجی است که فرد باید آن‌ها را یاد بگیرد. ساخت‌ها و ابعادی را که برای حیات طیبیه در اسناد تحولی برشمرده‌اند، عبارت‌اند از: ۱. ساخت تربیت اعتقادی و عبادی و اخلاقی؛ ۲. ساخت تربیت اجتماعی و سیاسی؛ ۳. ساخت تربیت زیستی و بدنی؛ ۴. ساخت تربیت زیبایی شناختی و هنری؛ ۵. ساخت تربیت اقتصادی و حرفه‌ای؛ ۶. ساخت تربیت علمی و فناوری.

در واقع این ابعاد بیانگر موضوعاتی هستند که مرتباً و دانش‌آموز در طول آموزش رسمی عمومی باید فرا بگیرند و چون اصل تربیت است دانش‌آموز در حین یادگیری این موضوعات باید آن را با نظام ارزشی اسلام تطبیق دهد و تطبیق آن سبب تکوین و تعالی هویت فرد براساس نظام معیار می‌شود. اگر فرد به یاری معلم بتواند شایستگی لازم (صفات + توانمندی‌ها + مهارت) را در دوران تحصیل برای این سازگاری زندگی با نظام معیار اسلام کسب کند، به حیات طیبیه دست می‌یابد و جامعه صالح از افرادی که این شایستگی‌ها را کسب کرده‌اند تشکیل می‌شود؛ جامعه‌ای که صلاحیت دارد ارزش‌های الهی را محقق کند.



موقعیت

یکی از اموری که در سند تحول بنیادین و برنامه درسی ملی بر آن تأکید شده، موقعیت است. هدف واسطی و میانی تعلیم و تربیت، درک و اصلاح مستمر موقعیت خود و دیگران است و معلم طراح موقعیت و کمک کننده دانش آموز برای درک آن است تا آن را براساس نظام معیار اصلاح و بهبود ببخشد و تفاوت مدرسه با محیط طبیعی و بیرونی در سامان دهی موقعیت هدفمند است. محیط بیرونی و طبیعی یقیناً محیطی است که هر فردی با توجه به شناخت و گرایش و توانمندی خود با آن تعامل برقرار می کند و آن را درک و براساس نیاز خود آن را تغییر می دهد. اما مدرسه با توجه به اهدافی که دارد، موقعیت های خاص را سامان دهی می کند تا دانش آموز با شایستگی هایی که دارد آن را درک کند و هویت عقلانی، علمی، ایمانی و عاطفی خود را تعالی ببخشد. موقعیت نسبت پویا و مشخصی است که فرد با خود و با خالق و با خلقت و خلق برقرار می کند. میزان تعامل او به شایستگی هایی نظیر عقل و ایمان و علم و عمل و اخلاق بستگی دارد. مثلاً هنگامی که اذان ظهر از بلندگوی مدرسه پخش می شود، گرایش ایمانی فرد به عنوان یک شایستگی او

را به شرکت در نماز جماعت مدرسه وامی دارد. و علم به چگونگی وضو ساختن و نماز خواندن نوعی شایستگی است که او را بر کسی که آن را نمی داند برتری می دهد. این فرد از شایستگی عقل برخوردار است؛ به طوری که هنگام نماز، همه قوای خود را اعم از حس و خیال، تحت کنترل درمی آورد و با حضور قلب نماز اقامه می کند. و آن هنگام که برای نماز لباس تمیز می پوشد و موی خود را شانه می کند و خود را خوش بو می نماید و با آرامش و وقار نماز را می خواند، از شایستگی اخلاق برخوردار است. همه این شایستگی ها سبب می شوند که موقعیت ارتباط با خدا را در ساحت الهی به خوبی درک کند و از آن برای تعالی شخصیت و هویت خود بهره ببرد.

در همه این موقعیت ها معیار درستی عمل مطابقت آن با نظام معیار یعنی احکام فقهی است که توسط فقیهان ما تعریف و تعیین شده است. برای تکمیل بحث، موقعیت گزاره ۱۴-۲-۱ مبنای نظری تعلیم و تربیت رسمی عمومی نظام جمهوری اسلامی مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی را می آوریم:

انسان همواره در موقعیت است و می تواند آن را درک کند و تغییر دهد. انسان در طی

زندگی خود همواره در موقعیت خاصی به سر می برد. منظور از موقعیت، وضعیت و نسبت مشخص و پویایی است که درک و تغییر آن حاصل تعامل پیوسته فرد (به مثابه عنصری آگاه، آزاد و دارای اختیار) با خداوند متعال و گستره ای از جهان هستی (واقعیت های ماورای طبیعت، طبیعت و جامعه) در محضر خداوند متعال (مبدأ و منتهای هستی و حقیقی برتر و فراموقعیت) است.

البته درک و تغییر موقعیت (خود و دیگران) با توجه به آزادی و اختیار آدمی، ممکن است که به صورت شایسته انجام پذیرد. در این صورت باید از «درک درست موقعیت خویش و دیگران و عمل مداوم برای بهبود آن» سخن گفت. این تعامل مستلزم اولاً معرفت به خدا و اعتماد به نفس (شناسنده و اصلاح کننده موقعیت)، ثانیاً معرفت و باور خداوند (حقیقت برتر فراموقعیت) و ثالثاً کشف و برقراری نسبت عناصر موقعیت با خداوند متعال (مبدأ و مقصد هستی) است. ولی در عین حال، امکان دارد که انسان موقعیت واقعی خود و دیگران (نسبت با خداوند و عناصر هستی در محضر حق تعالی) را به درستی درک نکند یا در تغییر مناسب (بهبود) آن تلاش شایسته را به عمل نیاورد.^۳

شایستگی‌های لازم

در سند تحول بنیادین شایستگی را صفات و توانمندی و مهارت تعریف کرده‌اند و قید لازم را با آن همراه کرده‌اند؛ یعنی دانش‌آموز برای دستیابی به مراتبی از حیات طیبه، باید به شایستگی‌های لازم دست یابد. شایستگی لازم را نیز به شایستگی پایه و شایستگی ویژه تقسیم کرده‌اند: شایستگی پایه را دانش‌آموز در دوران آموزش عمومی که تا پایان دوره اول متوسطه است کسب می‌کند و شایستگی پایه آن است که دانش‌آموز هرگاه در جامعه (به‌عنوان شهروند) یا در خانواده (به‌عنوان شوهر یا همسر) مسئولیتی را بر دوش بگیرد، باید از ویژگی‌ها و صفات و توانمندی و مهارت‌های آن برخوردار باشد. نه تنها قادر باشد در زبان نوشتاری فارسی رمزگذاری و رمزگشایی کند، بلکه یکی از زبان‌های دنیا مثل زبان انگلیسی را بخواند و بشنود (رمزگشایی) و با دیگران صحبت کند و مفاهیم مورد نظر را از طریق این زبان در یک مقاله علمی به دیگران انتقال دهد (رمزگذاری)، ولی شایستگی ویژه توانمندی و مهارتی است که دانش‌آموز در دوره دوم متوسطه که دوره نیمه‌تخصصی است کسب می‌کند. به طوری که اگر در رشته فنی و حرفه‌ای و کاردانش تحصیل کرده است، بتواند خدماتی را به جامعه ارائه کند و به میزان ارائه مهارت و شایستگی در مقابل آن مزد دریافت نماید و یا اینکه شایستگی ویژه سبب ادامه تحصیل در دانشگاه می‌شود.

در برنامه درسی ملی هر مدرک دانش‌آموزی که از آموزش و پرورش کسب می‌شود، ملاک و سنج شایستگی‌های پایه و ویژه اوست. به طوری که دانش‌آموز در شایستگی پایه به حدی رسیده است که می‌تواند در رویارویی با امور فردی و اجتماعی عاقبت‌اندیشی و از طریق اطلاعات لازم و مقایسه و تجربه دیگران نتیجه آن را پیش‌بینی کند. این دانش‌آموز به شایستگی تعقل دست یافته است و قضاوت او نسبت به مسائل فردی و اجتماعی براساس روش پژوهش و قدرت عقلانی مورد توافق عمومی است.

شایستگی دوم که از دانش‌آموز به تربیت یافته نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی انتظار می‌رود، ایمان است؛ ایمان به اسلام با همه شئون اعتقادی، عبادی و اخلاقی؛ درک مفاهیم توحید، نبوت، معاد، عدل و امامت. به طوری که با نظام معیار اسلام شایستگی دوری از گناه و شوق به ثواب الهی را و نیز شایستگی درک رزق و کسب و کار حلال از حرام را داشته باشد و به آن عمل کند. چنین فردی ملاک ارتباط در مسائل اجتماعی و اقتصادی را اسلام می‌داند و به آن عمل می‌کند.

گاهی تربیت را افزایش دانش شکوفایی هماهنگ استعدادها و تقویت گرایش‌ها و عواطف تعریف می‌کنند.

آنچه که در تربیت گاهی مورد غفلت و فراموشی قرار می‌گیرد، تقویت گرایش‌ها و عواطف انسانی است. تربیت یافته نظام تعلیم و تربیت باید به این شایستگی برسد که در مقابل انسان‌ها محبت و عاطفه و احساسات خود را ابراز کند و به محبت و احساسات دیگران جواب مثبت دهد و حالت انفعالی نداشته باشد. اینکه در آداب دینی ما آمده است که

جواب سلام‌علیکم را با سلام‌علیکم و رحمه‌الله بدهید، برای این است که این دین به احساسات و عواطف توجه دارد. ایمان عاملی است که واسط میان علم و عمل است. شناخت همراه احساسات و عواطف به گرایش و باور تبدیل می‌شود. شایستگی سوم علم است که رایج‌ترین آن علم تجربی است. در مبانی هستی‌شناختی و معرفت‌شناختی برنامه درسی ملی طبیعت و خلقت را فعل خداوند بیان کرده‌اند و قرآن را قول خداوند دانسته‌اند، حوزه‌های علمیه وظیفه دارند قول خداوند یعنی قرآن را تبیین کنند. حال اینکه وظیفه فهم و درک و تبیین و شناخت و کشف فعل خداوند، یعنی طبیعت و خلقت، وظیفه مدرسه و دانشگاه است و هر دو از اهمیت برخوردارند؛ یکی به دنبال کشف اراده الهی در قولش است تا به فهم خطاب محمدی (صلی‌الله علیه و آله) برسد و دیگری به علم و قدرت الهی در کشف روابط منظم میان اشیا بپردازد. از این رو ما علم غیراسلامی نخواهیم داشت. علم اگر در پرتو نسبت با خداوند آموخته شود، معرفت نامیده می‌شود که هدف خلقت است.

در این شایستگی دانش‌آموز باید به رمزگشایی و رمزگذاری در علوم متعدد دست یابد که شاید نتوان آن را سواد علمی دانست. عناصر شیمی را بشناسد، خاصیت آن‌ها را درک و قواعد ریاضی را رمزگشایی و آن‌گاه رمزگذاری کند. نسبت به روابط، نقش‌ها، حقوق و وظایف خود و افراد و اهمیت آن‌ها در زندگی علم پیدا کند و با ویژگی‌های نظام مردم‌سالار دینی و جایگاه و رسالت جهانی ایران اسلامی عمیقاً آشنا شود.

شایستگی بعدی که دانش‌آموز در دوران تحصیل باید به آن برسد، شایستگی پایه عمل است. به آموزه‌های دینی و انجام آگاهانه و مؤمنانه واجبات عمل و محرمات را ترک کند. از همه ظرفیت‌های وجودی خود برای دستیابی به هویت متعادل و یکپارچه در مسیر رشد و تعالی خود و جامعه استفاده کند و مهارت به کارگیری فناوری اطلاعات و ارتباطات در کار و زندگی را داشته باشد و از مهارت‌های پایه برای شکل‌دهی هویت حرفه‌ای آینده خود به صورت مولد و کارآفرین برخوردار باشد. و از یافته‌های علمی، هنری، فنی، حرفه‌ای و بهداشتی و زیستی و تلاش مؤثر برای تولید و توسعه آن‌ها استفاده کند.

آخرین شایستگی پایه‌ای که هر دانش‌آموز ایرانی باید از آن برخوردار باشد، اخلاق است. صفاتی اخلاقی همانند حیا و عفت و شجاعت، خویش‌داری، قدرشناسی، نوع‌دوستی، عدالت، قناعت، تکریم والدین و معلم، صدق احسان و حسن خلق سرمایه هر فرد موفق در زندگی است. در رابطه با خود، خالق، خلق و خلقت باید هیتتی و شکلی و حالتی را برگزینیم که نیکوترین باشد. اینکه به ما آموخته‌اند نظیف و تمیز باشیم، خود را معطر کنیم، لباس ما از وقار لازم برخوردار باشد، با دیگران محترمانه رفتار کنیم، برای مخلوقات هستی و محیط زیست ارزش قائل شویم، و علم و عالم و تعلیم و فراگیری را بزرگ بشماریم، همه و همه برای اخلاقی بودن انسان است. این شایستگی آن قدر اهمیت دارد که پیامبر هدف از بعثت خود را اتمام مکارم اخلاق اعلام کرده است: «بُعِثْتُ لِاتِمِّمَ مَكَارِمَ الْاِخْلَاقِ».

پی‌نوشت

۱. کتاب مفاتیح‌الحیة آیت‌الله العظمی جوادی آملی (حفظه‌الله تعالی) ملاک‌های ارزشی را در موقعیت‌های متعدد بیان کرده‌اند. مطالعه آن در این زمینه مفید است. ۲. ساماندهی موقعیت براساس اهداف تعلیم و تربیت. ۳. مبانی نظری تحول بنیادین، ص ۶۹-۶۸